

یک قطار راه ابریشم در زمان جنگ سرد جدید

نویسنده: بهادرا کومار

منبع: اندین پنج لاین

مترجم: رسول رحیم

دو روز پس از نشست گروه بین المللی حمایت از سوریه، خاورمیانه شاهد یک حادثه خارق العاده بود؛ روز دوشنبه یک قطار باربری مشتمل از 23 کانتینر بعد از یک سفر طولانی بیش از 10 هزار کیلومتر از ایالت ژیجیانگ در شرق چین به تهران رسید. این سفر 14 روز را در بر گرفت و سرعت متوسط آن روزانه 700 کیلومتر بود که از طریق استپ ها و دشت های قزاقستان و ترکمنستان عبور کرده است.

به مشکل می توان گفت که از لحاظ دوامدار بودن کدام یک برای سیاست جهانی تعیین کننده می باشد- جنگ سوریه و یا نخستین قطار راه ابریشم، که از چین به خاور میانه می رسد. عجالتاً منازعه سوریه و جنگ با "دولت اسلامی" یا داعش بر توجه مردم جهان مسلط است، اما از یک چشم انداز تاریخی، قطار راه ابریشم به مثابه نقطه عطفی تبارز می کند که ضرب و شتم داعش در برابر آن بسیار ناچیز است.

چین جهت کسب اطمینان، از مداخله در جنگ سوریه خودداری کرد و ترجیح داد روی آنچه سرمایه گذاری کند که در طول زمان روی آن حساب می شود. آیا ممکن است که ایالات متحده امریکا چنین طرحی را از دست داده باشد؟

نظری به قطار راه ابریشم بیاندازیم. چین موثریت فرستادن یک محموله را در چهارچوب زمانی به آزمون گرفت. به ترتیبی که 30 روز زودتر از انتقال آن از راه بحر به مقصد می رسد که در حال حاضر از شانگهای به بندر عباس ارسال می شود. این نخستین کوشش از طریق قطار آهس زمینی می باشد. می توان اعتماد نمود که با بهتر شدن زیرساختارها پیکنگ بتواند فرستادن این اموال را سریع تر و ارزان تر گرداند.

قطار راه ابریشم در زمان رئیس جمهور شی جین پینگ در ذیل ابتکار "کمر بند و راه" آغاز به کار کرد. فراتر از آن این یک اشتها بزرگ در ایران برای ستراتیژی "رفس به سوی جهانی شدن" چین و پیشرفت سریع فز آوری قطار سازی اش می باشد. در حال حاضر چین به ارزش 2 میلیارد دالر یک پروژه قطار سریع السیر را در ایران می سازد که تهران را با شهر شرقی مشهد وصل می کند و زمان سفر را فقط به 6 ساعت می رساند و همچنان ظرفیت حمل و نقل اموال را به سالانه 10 میلیون تن بالا می برد. (پس از اكمال این پروژه در 42 ماه، چین احداث قطار دیگری را برای پنج سال ادامه می دهد).

قرار است که قطار راه ابریشم نقش قابل ملاحظه ای در تجارت بین ایران و چین بازی کند که دو کشور امیدوار اند در خلال یک دهه با همکاری در ساحه انرژی هسته ئی و پروژه های "یک جاده، یک کمر بند" به 600 میلیارد دالر افزایش یابد.

باید مطمئن بود که قطار راه ابریشم سرانجام در نظر دارد که در سمت غرب به سوی هدف بسیار فراتر از تهران، به اروپا برسد تا تجارت را گسترش دهد و هنگامی که اقتصاد داخلی دچار بطالت می شود، بازارهای نوری برای شرکت های چینی باز کند.

مس یک نوشته عالی در وبلاگی را به یاد می آورم که اخیراً توسط دوستی به نام گراهام فولر در مورد بینش کوتاه نظرانه استراتژیست های ایالات متحد و طبقه سیاسی امریکا در مورد جهان فردا نوشته شده است. او در مقاله ای با عنوان "ناتو ابزار گمراه کننده رهبری امریکا" نوشته است:

- به نظر می رسد که استراتژی امریکا در شکل دفاعی آن علیه قدرت های درحال ظهور درجا زده است. در حقیقت چنین قدرتهایی منویات امریکایی را برای تداوم هژمونی اش به چالش می کشانند. اما یک موضع دفاعی، ما را از داشتن یک بینش و روحیه محروم می گرداند؛ اساساً این بیانگر یک جهت یابی منفی است و مانند شاه کانونت از ساحل می خواهد جزر و مد مهاجم را متوقف گرداند(کانونت کبیر یکی از شاهان قدیمی انگلستان است که معتقد بود دارای قدرت ماورای طبیعی می باشد). از آن هم بدتر اینکه قدرت نظامی امریکا و بودجه اش در حال افزایش است و به نظر می رسد در پاسخ گفتش به بسیاری چالش های خارجی ناتوان است. پنتاگون(وزارت دفاع امریکا)، وزارت خارجه را از کار انداخته است.
- به ویژه امروز ناتو نماد یک جهت یابی کوتاه نظرانه و دفاعی است.
- درحالی که واشنگتن روی ایجاد ساختارهای نظامی دفاعی، پایگاه ها و ترتیبات خارج از کشور علیه روسیه و چین تمرکز می کند، ما کاملاً از کلیت صف بندی طرح های اقتصادی جدید، بینش ها، پروژه ها برای زیرساخت های جدید قاره یی و انکشافات نهادینه شده ای غافل می مانیم که سراسر اوراسیا را فراگرفته است. در حقیقت نیروی رهبری کننده این انکشافات چین و روسیه اند. اما این ها اساساً سرشت دفاعی یا نظامی ندارند، بلکه بیشتر نمایندگی از ایجاد یک نظم نوین بین المللی از چیزی می کنند که نه ما انتخابش کرده ایم و نه حتا با آن مخالفت کرده ایم.. درعین زمان وسواس با ناتو و اتحاد نظامی به مثابه عراده بزرگ سیاست ایالات متحد امریکا بعد از جنگ سرد، دلیل عمده باخت ما در آن نظم جدید است.

این اظهارات چقدر پیشگویانه است! البته از دید جیوپولتیک، این راه، از مرکز تجاری در شرق چین در شهر بیوو تا پایتخت ایران، کاملاً جای تنگه مالاکا را می گیرد و کاری می کند که از بین آن دو کشور ترانزیتی بگذرد که به خاطر سیاست های خارجی مستقل شان شهرت دارند. این یک تمایز بزرگ از بازی بزرگی را نشان می دهد که ایالات متحد امریکا برای برقراری توازن مجدد قدرت در آسیا به راه انداخته است.